

Received: 2025/01/28
Accepted: 2025/07/16
Published: 2025/09/11

The evolutionary signature is similar to the character in the ties of the FathAli Shah to Nasserian approach to Zeinab

Somayeh Salimi, Master of Dramatic Literature. Department of Art, Science and Research Branch. Islamic Azad University. Tehran. Iran.

Abstract

The main purpose of this paper is to investigate the effective factors from the storm of the state of the situation in the period of Fath Ali Shah Qajar due to structural transformation in speech and poetry and due to the transformation process similar to that of the period due to the demand factors such as the opposition force and the spread of the validity which is a way of evolving similar to the individuation and identities. Simple narratives and similar identities similarities have been determined by non-specificity. Increasing the presence of women in the context of the Federali Shahs Rehabilitation Treaties is the beginning of the woman's change and how to from this process from public speeches. Speaking talks with identity similar to it and is generally common for all people like the opposite clashes against the opposite group and in this article Zainab and Fatemeh Zahra have been selected as sample due to the fact that the change in the relevant manuscripts occurs for all the people like this. The statistical proportions of female speeches in the field of therapy indicate an increase in a similar role in women in the same letters that opens the way to the same way like the Zinab in the Nasser period which is discussed in another research. Tapes left from the Fath Ali Shahs vote of trust in the claim. The khodzco collection includes thirty-four phases of the tape that is commonly at the time. The main question of this article pays attention to the words of women Shabehs to contribute to the contract. Also the main hypothesis also refers to the effect of increasing the presence and speech of women Shabehs the woman's surface in the title paper are analyzed on quality analysis and using the Fath Ali Shahs Qajar period. einbs transformation platform based on the character dynamics of the character from my bodies is derived from the book of theory and the deama analysis of Manford Fester. The corresponding theory evaluates the transformation and dynamics of personality in the movement of the stage to another. The texts left from that period of reliable resources to examining how the evolution and evolutionary seemingly Zainab. This article is similar Zainab as a sample and has no connection with the a true character of Zaynab.

Keywords: Shabeh, Fath Ali Shah Qajar period, Similarities, Dynamic

سیر تکامل شبیه به شخصیت در نسخ تعزیه از دوره‌ی فتحعلی‌شاه تا ناصرالدین‌شاه قاجار با رویکردی بر شبیه زینب

چکیده

هدف اصلی این مقاله، بررسی سازه‌های کارآمد حاصل از روزه‌های تحول جایگاه زن در نسخ تعزیه‌نامه‌ی دوره‌ی فتحعلی‌شاه است که به دلیل دگرگونی‌های کمی در گفتار و شعرها و روند تحول و تطور شبیه در نسخ دست‌نوشته‌ی دوره‌ی ناصریه به واسطه‌ی عوامل نمایشی «نیروی مخالف و گسترش روایی»، راهی بر تکامل شبیه به سوی تشخیص و هویت یگانه می‌گشاید. افزایش حضور شبیه زن در نسخ تعزیه‌ی دوره‌ی فتحعلی‌شاه، آغازی است بر دگردیدی شبیه زن که بر چگونگی شکل‌دهی این روند از گفتارهای عمومی به کشمکش نمایشی توسط گروه مخالف «اشقیا»، گسترش روایی و واقع‌گرایی می‌انجامد. پرسش اصلی این مقاله به چگونگی گفتار و عملکرد شبیه زینب در نسخ تعزیه‌نامه‌ی آن دوران در تقابل باهم می‌پردازد. همچنین فرضیه‌ی اصلی به تأثیر افزایش حضور و مقدار گفتار شبیه زینب در فراهم کردن بستر تحول شبیه در نسخ دست‌نوشته‌ی آن دوران اشاره دارد. افزایش تعداد بیت‌های شبیه زینب در دوره‌ی فتحعلی‌شاه زمینه‌ی حضور و میزان نقش شبیه یادشده را در روایت‌ها افزایش می‌دهد. در دوره‌ی ناصریه نیز افزایش نقش، نه در تعداد بیت‌ها بلکه در حذف مضامین پُر بازآمد و شرح و بسط بن‌مایه‌های منحصربه‌فرد مربوط به شبیه زینب رخ می‌دهد. بهره‌گیری مکتل‌نویسان از «نیروی مخالف و گسترش روایی» زمینه‌ی پردازش شبیه را فراهم و بستر مناسبی برای حضور شبیه زنان دیگر روایت ایجاد می‌کند. در نتیجه حضور شبیه زن از شبیه مرد، پیشی می‌گیرد و تعزیه‌نامه‌هایی با محوریت حضور زنان شکل می‌گیرد. بنابر آنچه بیان شد تکامل شبیه زن در نسخ تعزیه‌نامه‌ی دوره‌ی فتحعلی‌شاه از گفتارهای عمومی به افزایش حضور و کشمکش با نیروی مخالف، گسترش روایی و تمایل به واقع‌گرایی در دوره‌ی ناصریه تحقق می‌یابد و زمینه‌ی تحول شبیه به شخصیت را فراهم می‌کند. همچنین سیر تکامل شبیه زینب بر اساس نظریه‌ی نقش‌واره‌ی دراماتیک از «بی‌بکرمن» برگرفته از کتاب نظریه و تحلیل درام از «مانفرد فیستر» بررسی می‌شود. داده‌های این مقاله بر تحلیل محتوای کیفی و با استفاده از نسخ تعزیه‌نامه‌ی دوره‌ی فتحعلی‌شاه قاجار و ناصریه، تجزیه و تحلیل می‌شود.

واژگان کلیدی: شبیه، دوره‌ی فتحعلی‌شاه، شبیه‌پردازی، پویایی.

^۱ کارشناس ارشد ادبیات نمایشی، دانشکده هنر و معماری، گروه هنر، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
Email: somayehsalimi8150@gmail.com

مقدمه

شخصیت به معنای فردی آرمانی و عجین شده با نقش و دارای ژرفای روان شناختی و اخلاقی است درحالی که نقش و بازیگر در تعزیه عناصری هستند که «کارکرد» را در خود جای می دهند و نه «نسخه‌ی بدیلی از ذات» یک موجود زنده و نفی همانندپنداری به وضوح در آن دیده می شود (لیتن، ۱۳۸۹: ۱۱۳-۱۱۴). لیتن دگرگونی شبیه را تابع عوامل برون از فرد و در چهارچوب ناخودآگاه «رؤیا، معجزه، خواب» می داند نه حاصل استدلال و تفکر عقلانی. حال با تعریف های ارایه شده و بررسی نسخ تعزیه‌ی دوران قاجار، شناخت سازه های مؤثر بر تکامل شبیه میسر خواهد بود. شبیه زن «زینب» در نسخ تعزیه‌ی دوره‌ی فتحعلی شاه به منظور واکاوی سازه های کارآمد در تکامل شبیه به شخصیت، در دو سطح محتوایی و ساختاری بررسی شده است. اهمیت این مقاله در این است که می تواند آغاز جوانه های تکامل نمایش ایرانی و روند تحول شبیه نامه ها را به متون نمایشی، پیش روی ما بگذارد و امکان آشنایی با ابعاد ناشناخته‌ی نمایش ملی را فراهم کند. پرسش اصلی به چگونگی گفتار شبیه زن در ایجاد شناسه های هویتی شبیه/ شخصیت می پردازد و فرضیه‌ی اصلی، کمیت اشعار و افزایش حضور شبیه زن در نسخ مربوطه را نقطه‌ی آغاز تکامل شبیه در تعزیه نامه های دوره‌ی فتحعلی شاه معرفی می کند. تأثیر و تسلط غرب بر ایران دوره‌ی فتحعلی شاه قاجار و ناصری و شرایط نابه سامان آن دوران که متأثر از ناکامی در جنگ ها و قراردادهای تجاری به نفع بیگانگان بود آغازی بر اعتراض و حضور زن ها بر عرصه‌ی اجتماع و سیاست شد که این امر می تواند عاملی بر تحول جایگاه زن/ شبیه زینب در نسخ تعزیه نامه‌ی آن دوران باشد. پژوهش هایی در زمینه‌ی تعزیه و پیدایش آن صورت گرفته است که از مهم ترین آن ها کتاب تعزیه و تعزیه خوانی از «عنایت الله شهیدی» است. شهیدی در این کتاب به سیاست مذهبی و روابط فتحعلی شاه با روحانی ها اشاره می کند که فتوای آن ها در تأیید و مشروعیت تعزیه، تأثیر زیادی در گسترش نمایش ملی داشته است. همچنین احداث تکیه های جدید، دلیل دیگری بر تحول و تکامل تعزیه و اشخاص شبیه است. دیپلمات فرانسوی به نام خودزکو که در آن دوره در ایران به سر می برده است مجموعه‌ای از نسخ متداول تعزیه در آن زمان را خریداری می کند. (شهیدی، ۱۳۸۰: ۱۶۲-۱۶۳). این مجموعه شامل سی و سه مجلس است که این پژوهش نیز از آن ها بهره برده است.

روش تحقیق

داده های این تحقیق به روش تحلیل محتوای کیفی و با استفاده از منابع کتابخانه ای و نسخ خطی تعزیه نامه‌ی به جامانده از دوران ناصری، تجزیه و تحلیل خواهد شد. محدوده‌ی زمانی پژوهش به دوران «فتحعلی شاه» و «ناصرالدین شاه قاجار» و محدوده مکانی پژوهش مربوط به نسخ دست نوشته‌ی تعزیه‌ی تکیه‌ی دولت «تهران» مربوط است.

پیشینه تحقیق

شبیه نامه های دوران قاجار به عنوان اسنادی موثق که می توانند منبع پژوهش ها در راستای چپستی و چگونگی درام ملی باشد، کمتر مورد توجه پژوهش گران بوده است. شاید دلیل این کم توجهی بدخط بودن پاره‌ای از این متون و البته دشواری خوانش آن ها است. دلیل دیگری که راه را بر پژوهش هایی از این دست می بندد، دیدگاه نمادگرایانه پژوهش گرانی چون «جابر عناصری» (درآمدی بر سیمای قدیسین و معصومین)، «صادق همایونی» (زن در تعزیه های ایرانی) و «لاله تقیان» (تعزیه در ایران ۱۳۷۹) به اشخاص شبیه و به طور کلی شبیه خوانی است. منظور از دیدگاه نمادگرایانه، قرارداد اشخاص شبیه در چهارچوب مشخص و ایستا است که شبیه را فاقد پویایی و تحرک نمایشی در روند روایت معرفی می کند. بنابراین جای تعجب نیست که پژوهشی در

زمینه‌ی چگونگی تحول شبیه زینب به شخصیت و به‌طورکلی «اشخاص تعزیه» انجام نشده است. مقاله‌هایی پیرامون تحول شخصیت‌های داستانی انجام گرفته است ازجمله: «بررسی جنبه‌های تحول نمایشی شخصیت زن در حکایت رابعه از الهی‌نامه عطار نیشابوری» که توسط شهرزاد امیرشاه‌کرمی نگارش یافته است به سیر تحول شخصیت از قطب نمایشی به قطب نمایشی دیگر معطوف است (امیرشاه‌کرمی، شهرزاد؟). می‌توان به مقاله‌های مشابه دیگر نظیر «محوریت قهرمانان زن در قصه‌های عامیانه» به نگارش حسین بیات (بیات، حسین ۱۳۸۹). همچنین مقاله «زنان فعال و منفعل در داستان‌های منشور عامیانه» از بهادر باقری اشاره کرد.

مبانی نظریه‌ی پژوهش

نظریه‌ی نقش‌واره‌ی دراماتیک از «بی بکرمن» تعریف خود از نقش‌واره و شخصیت را این‌گونه بیان می‌کند: نقش‌واره «حاکمی از چیزی است تعمداً مصنوع، تولید شده یا ساخته شده برای هدفی خاص، چیزی که القاگر حس کارکردی بودن است و نه استقلال فردی [...] برخلاف شخصیت‌های واقعی که بی‌تردید متأثر از زمینه‌ی اجتماعی خود هستند» (فیستر، ۱۳۹۹: ۲۱۲). شبیه زینب در مقاله‌ی مربوطه، بدون توجه به جایگاه تاریخی حضرت زینب (ع) مورد بررسی قرار می‌گیرد به‌آن دلیل که «نقش‌واره‌های دراماتیک را نمی‌توان از محیط خود جدا کرد: آن‌ها صرفاً در رابطه با محیط خود وجود دارند و صرفاً نیز ساخته‌ی جمع روابط خود با آن محیط‌اند» (فیستر، ۱۳۹۹: ۲۱۲). پرسش اصلی این مقاله به چگونگی گفتار و عملکرد شبیه زینب در نسخ تعزیه‌ی دوران فتحعلی‌شاه و ناصری معطوف می‌شود و این مقاله تلاش می‌کند سیمای ایستای نقش‌واره‌ی زینب را در نسخ دوره‌ی فتحعلی‌شاه قاجار که به صورت تک‌سویه و بدون کنش است نشان دهد. «به عبارت دیگر، آن‌ها عموماً بر حسب نحوی تعاملشان با یکدیگر ظاهر می‌شوند نه به عنوان افرادی تنها، و عموماً نیز در هیئت گوینده ظاهر می‌شوند» (فیستر، ۱۳۹۹: ۲۱۵) همچنین دگرگونی شبیه زینب به سوی نقش‌واره‌ی دراماتیک و پویا را در نسخ تعزیه‌ی دوره‌ی ناصری بیان کند و شرایط اجتماع، فرهنگ و سیاست جهان پیرامون نقش‌واره‌ی داستانی را در خلق شخصیت روایت مؤثر می‌داند. «هر فرد خواست و اراده‌ی مستقلی دارد که در تعارض با ضرورت‌های تحمیل‌شده از جانب جهان پیرامون است. اگر این تصور پویا از نقش‌واره عموماً متضمن تصویری از انسان باشد که وجه مشخصه‌ی آن ایده‌ی یک آگاهی مستقل و خودآیین است، تصور ایستا از نقش‌واره اغلب مبتنی بر نوعی ایدئولوژی جبرباورانه‌ی اجتماعی، زیست‌شناختی یا روان‌شناختی است» (فیستر، ۱۳۹۹: ۲۳۳). تقدیرگرایی «تفکر جبرباورانه» زمینه‌ی تصور ایستا از شبیه زینب در نسخ تعزیه‌ی دوران قاجار را ایجاد کرده است. مجموعه‌ی اطلاعات تعیین‌کننده‌ی یک نقش‌واره در این یا آن متن دراماتیک محدود و بسته است و در بهترین حالت از طریق تحلیل دقیق قابل تبیین اما غیر قابل گسترش است، درحالی‌که مقدار اطلاعاتی که می‌توان درباره‌ی یک شخص واقعی جمع‌آوری کرد از لحاظ نظری نامحدود و بی‌نهایت است. همین نکته به‌روشنی نشان می‌دهد که برخلاف شخص واقعی، نقش‌واره‌ی دراماتیک داستانی بر ساخته‌ای آگاهانه و عمدی است» (فیستر، ۱۳۹۹: ۲۱۳). شبیه زینب در نسخ تعزیه‌ی دوره‌ی ناصری دست‌مایه‌ای برای بیان دغدغه‌های اجتماعی «فقر، بی‌آبی، کمبود نان»، سیاسی «بیان اندیشه‌های اعتراضی» و فرهنگی «خرافه، آداب و رسوم» مقتل‌نویس‌های زمانه‌ی خویش قرار می‌گیرد. بنابراین شبیه زینب، برساخته‌ای آگاهانه و عمدی از دیدگاه و نگرش مقتل‌نویس‌های دوره‌ی ناصری است که وی را از سیمای زنی خیمه‌نشین «مطبخ‌نشین» به زنی مبارز در میدان نبرد «اعتراض در صحنه‌ی خیابان» تصویر می‌کند.^۱ فقدان روایت‌گر پویا «مقتل‌نویس صاحب نگرش» در دوره‌ی فتحعلی‌شاه، سیمایی ایستا به شبیه زینب داده است درحالی‌که در دوره‌ی ناصری مقتل‌نویس‌ها با بهره‌گیری از دغدغه‌های اجتماع، ابعاد زندگی‌نامه‌ای،

حدیث نفس، مناجات‌ها و آگاهی درونی، نقش‌واره‌ای پویا خلق کردند. جستار دیگر نظریه‌ی یادشده به روابط نقش‌واره‌ها و موضوع غلبه‌ی حضور می‌پردازد «که از طریق مشخص کردن مدت زمانی که یک نقش‌واره‌ی دراماتیک بر روی صحنه سپری می‌کند و میزان مشارکت وی در متن اصلی روابط غلبه در درون اشخاص نمایش» (فیستر، ۱۳۹۹: ۲۱۸) بیان می‌شود و این‌گونه فرضیه‌ی اصلی مقاله‌ی یاد شده که تأثیر افزایش حضور و مقدار گفتار شبیه زینب در تکامل شبیه است تحقق می‌یابد. «با این حال، این‌گونه نیست که ساختار اشخاص نمایش یکسر با تباین‌ها و تناظرهایی مرتبط باشد که به شیوه‌ای تماماً ایستا در ارتباط متقابل با یکدیگر قرار دارند، بلکه این ساختار دربرگیرنده‌ی شماری از ساختارهای پویای کنش متقابل نیز هست» (فیستر، ۱۳۹۹: ۲۲۴). کنش متقابل شبیه زینب در برابر شبیه‌های دیگر در دوره‌ی فتحعلی‌شاه برخوردی ایستا و بدون کشمکش است درحالی‌که در دوره‌ی ناصری به واسطه‌ی عناصر نمایشی که در مقاله به آن‌ها پرداخته شده است و همچنین به واسطه‌ی راوی پویا، کنش متقابل شبیه زینب با قهرمان اصلی روایت «پروتاگونیست» یا به عبارتی دیگر امام حسین (ع)، شبیه زینب را در جایگاه نقش‌واره‌ی حامی نشان می‌دهد یا برخورد شبیه زینب با زنان و کودکان، وی را در جایگاه نقش‌واره‌ی یاری‌گر به تصویر می‌کشد و مهم‌تر از همه کنش شبیه زینب با اشقیانمایان‌گر نقش‌واره‌ی مبارز و قهرمان است. شایان ذکر است که این مقاله در صدد بررسی انواع نقش‌واره نیست. نظریه مورد بحث، تحول و پویایی نقش‌واره را بدین‌گونه بیان می‌کند که شخصیت ایستا هیچ تغییری نمی‌کند و از سوی دیگر شخصیت پویا فرایندی از رشد و تحول را در طول متن و روایت‌ها چه به شکل مستمر و پیوسته و چه به صورت گسسته و منقطع سپری می‌کند (فیستر، ۱۳۹۹: ۲۳۲). دلیل انتخاب نظریه‌ی فوق هم‌سویی درک و شناخت «بی بکرمن» از شخصیت با نقش‌واره «شبیه» در نسخ دست‌نوشته و همچنین معرفی سیر تحول و پویایی شخصیت نمایشی بر اساس فرایند مشخصه‌های منحصربه‌فرد است. به‌طوری‌که در نظریه‌ی یادشده «نقش‌واره‌های تک‌بعدی با مجموعه‌ی کوچکی از مشخصه‌های تمایزبخش تعیین و تعریف می‌شوند. در غایی‌ترین شکل آن، این مجموعه به یک خصوصیت ویژه‌ی واحد تقلیل می‌یابد [...] در مقابل، نقش‌واره‌ی چندبعدی با مجموعه‌ی پیچیده‌ای از مشخصه‌ها تعریف می‌شود که از پراکنده‌ترین سطوح گرفته شده‌اند، سطوحی که می‌توانند، فی‌المثل، با پس‌زمینه‌ی زندگی‌نامه‌ای و منش روان‌شناختی وی، رفتار بین شخصی او در برابر آدم‌های مختلف، نحوه‌ی واکنش او به موقعیت‌های کاملاً متفاوت و جهت‌گیری ایدئولوژیک او مرتبط باشد» (فیستر، ۱۳۹۹: ۳۳۴)، مانند آنچه از گفتار و عملکرد شبیه زینب در نسخ تعزیه‌ی دوره‌ی فتحعلی‌شاه قاجار و تکامل او در نسخ تعزیه‌ی دوره‌ی ناصری وجود دارد. روش پژوهشی تحلیل محتوای کیفی، به دلیل توجه این مقاله به تحلیل و تفسیر معانی و داده‌های کیفی مانند اسناد و نسخ دست‌نوشته و بررسی مضامین و روابط بین مفاهیم در داده‌ها مورد بهره‌برداری قرار گرفته است.

بررسی و بیان یافته‌ها

آغاز شکل‌گیری شبیه در نسخ تعزیه‌نامه‌ی دوره‌ی فتحعلی‌شاه قاجار با درون‌مایه و شناسه‌های پُر بازآمد است. تعداد اندکی از مجالس به نام زنان است که حضور تأثیرگذاری در پیشبرد روایت‌ها ندارند. «خودزکو» در سال ۱۲۵۳ ه. ق با مجموعه‌ای از نسخ تعزیه به نام «جنگ شهادت» آشنا شد که توسط حسین علی‌خان خواجه در زمان فتحعلی‌شاه فراهم شده بود. تاریخ دقیق هرکدام از این نسخ تعزیه مشخص نیست و به‌طورکلی با توجه به اسناد به جامانده، این نسخ را مربوط به دوره‌ی فتحعلی‌شاه می‌دانند «خودزکو، ۱۳۹۸: ۵۷-۷۷» از جمله‌ی این مجلس‌ها که مربوط به دوره‌ی فتحعلی‌شاه قاجار است می‌توان به نسخ: ۱- شهادت طفلان زینب خاتون ۲- خبر آوردن جبریل... ۳- شهادت طفلان زینب ۴- وفات زینب ۵- شهادت امام حسن ۶- غصب کردن عمر باغ فدک را ۷- شهادت طفلان مسلم ۸- شهادت حضرت عباس ۹- سکینه به چادر ابن سعد می‌رود ۱۰-

مجلس اول و دوم دیرانی فرنگی اشاره کرد. همچنین مجلس شهادت امام حسین از «مجموعه‌ی لیتن» که در میان نسخ تاریخ‌دار، برخی از دوره‌ی فتحعلی‌شاه و برخی از زمان محمدشاه قاجار است و با این حساب باید هم‌زمان با نسخه‌های شوتسکو باشد» (لیتن، ۱۳۸۹: ۱۷) مورد بررسی قرار گرفته است. نسخ دست‌نوشته‌ی تعزیه‌ی دوره‌ی ناصری از کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی نیز مورد کاوش این مقاله بوده است که می‌توان به مجلس شهادت امام حسین و غارت خیمه‌گاه از «محمدتقی معین‌البکاء» مربوط به سال‌های ۱۲۸۹ و ۱۲۸۸ هجری، مجلس دیر عزیز و شیرین از «عبدالوهاب» مربوط به سال ۱۲۸۵ هجری، مجلس ورود به بقیع از «خاکی تفرشی» مربوط به سال ۱۲۷۴ هجری، مجلس شهادت عباس از «محمدتقی شیرازی» مربوط به سال ۱۲۶۷ هجری و نسخه‌ی مسلمان شدن شیخ شامی مربوط به سال ۱۳۰۰ هجری اشاره کرد که نام نگارنده در دست نیست. سیر تکامل شبیه در نسخ تعزیه‌ی دوره‌ی فتحعلی‌شاه و ناصری در ۵ سطح، ۱) گفتارهای عمومی (۲) کشمکش با نیروی مخالف (۳) گسترش روایی (۴) افزایش حضور «نقش» (۵) واقع‌گرایی، قابل بررسی خواهد بود. حال پرسش این است که آیا شعرها، گفتار منحصر به فرد شبیه «زینب» است یا هر شبیه دیگری می‌تواند آن اشعار را بیان کند؟

۱. گفتارهای عمومی شبیه زینب

بررسی گفتارهای شبیه زینب در مقابل اشخاص دیگر شبیه مانند فاطمه زهرا، چگونگی تکامل شبیه را به سوی تشخیص و هویت یکتا بر ما آشکار می‌کند. گفتار شبیه زینب در مجلس شهادت طفلان زینب خاتون می‌تواند از زبان شبیه «حضرت فاطمه» و «شهربانو» بیان شود. «زینب: حالالت باد شیر انگبینم/ الهی! نعشتان بی سر نبینم/ خدا باشد شما را یار و یاور/ نبیند چشم بد! ای جان مادر! / خوشا! حال شما ای نور عینم! / که می‌گردید فدا بهر حسینم» (خودزکو، ۱۳۹۸: ۴۲۱). همچنین گفتار شبیه فاطمه در مجلس خبر آوردن جبرئیل بر پیغمبر... دارای مشخصه‌ی همانند «دو نوباوه شهید» و ویژگی‌های تکراری «نامیدی، خواری و زاری» است که می‌تواند اشاره‌ای به «طفلان زینب» هم داشته باشد. «برای چیست دو نوباوه‌ام شهید شوند؟/ سبب چراست که از عمر ناامید شوند؟/ چه کرده‌اند که باید چنین فگار شوند؟/ ز جرم چیست که این‌گونه خوار و زار شوند؟/ نکرده‌ای تو به امت به غیر غم‌خواری / چرا به سبط تو دارند این چنین خواری؟» (خودزکو، ۱۳۹۸: ۸۲). بازآمد گفتار یکسان برای شبیه‌های مختلف، دلیلی بر نداشتن شخصیت‌پردازی و هویت اشخاص شبیه در نسخ تعزیه‌نامه‌ی دوره‌ی فتحعلی‌شاه است به‌طوری‌که در مجلس وفات فاطمه اشعار «شبیه زینب به فاطمه» با تغییری اندک از زبان «اسماء به فاطمه» نیز بیان می‌شود. «زینب: فدای جان تو ای نور چشم پیغمبر! / هلاک نام تو! ای مادر ستم‌پرور! / نماند در دل من تاب رنج و درد و تعب/ بگو فدای تو چون زندگی کند؟ زینب! / چه می‌شود؟ که مرا هم بری به خود همراه/ که هست زینب درمانده تو بخت سیاه [...] اسماء: فدای جان تو ای نور چشم پیغمبر! / هلاک نام تو! ای بی‌بی! من مضطر! / بگو، ز بعد تو اسماء چه سان مدار کند؟/ چه خاک بر سر خود؟ گو! به روزگار کند/ مکن نظر به بدی‌های من برای خدا/ تو صاحب کرمی و مرا بجل فرما» (خودزکو، ۱۳۹۸: ۱۲۷-۱۲۸). درون‌مایه و شناسه‌های پُر بازآمد در بیت‌های بالا «درمانده، مضطر، بخت سیاه و...» سبب عمومیت گفتار و عدم هویت شبیه زینب و اسماء شده است.

شبیه مردان نیز در نسخ تعزیه‌نامه‌ی دوره‌ی فتحعلی‌شاه، دارای هویت و تشخیص نیستند به‌طوری‌که گفتار «محمد حنفیه» در مجلس شهادت امام حسن می‌تواند از زبان «شبیه زینب» و «امام حسین» نیز بیان شود. «محمد حنفیه: فدای نعش تو جان برادر! / به قربان تو! فرزند پیمبر! / چه سان بینم؟ به این حالت برادر! / که بی تو مانده‌ایم ما زار و مضطر/ برادر جان! فدای جسم پاکت/ فدای جسم افتاده به خاکت» (خودزکو، ۱۳۹۸: ۱۸۸). همچنین در مجلس خبر آوردن جبرئیل بر پیغمبر... گفتار «امام حسین» می‌تواند از زبان شبیه «زینب»

و شبیه «امام حسن» نیز بیان شود. «امام حسین: فدای جان تو! مادر! بگو به جان حسین! / چه می‌دهی؟ به مصیبت رسیدگان حسین! / در آن زمان که سر از قبرها برون آرند/ همه امید شفاعت به ما کنون دارند» (خودزکو، ۱۳۹۸: ۸۳). بنابراین به‌طورکلی، سیمای «شبیه» در نسخ تعزیه‌نامه‌ی دوره‌ی فتحعلی‌شاه، فاقد تشخیص و هویت یگانه است. نمونه‌های بسیاری از عمومیت گفتار، طبق آنچه بیان شد در نسخ دوره‌ی فتحعلی‌شاه دیده می‌شود در نتیجه، مشخصه‌های همانند و تکراری سبب عمومیت گفتار شبیه زینب شده است به‌طوری‌که می‌تواند از زبان شبیه‌های دیگر هم بیان شود. به عبارتی دیگر جای‌گزینی گفتار شبیه‌ها با یکدیگر بدون این‌که تغییری در روایت ایجاد کند، امکان‌پذیر است.

سیمای ایستای شبیه در نسخ تعزیه‌نامه‌ی دوره‌ی فتحعلی‌شاه و نبود چالش و انگیزه‌ی پویای نمایشی در مسیر روایت، سبب بهره‌مندی تعزیه‌نویس‌ها از حضور نیروی مخالف و ایجاد کشمکش بین اشخاص شبیه شده است. حال به بررسی تأثیر نیروی مخالف بر روند تکامل شبیه در گذر از گفتارهای عمومی به هویت یگانه پرداخته می‌شود.

۲. کشمکش با نیروی مخالف

نقش اشقیا «نیروی مخالف» در نسخ تعزیه‌نامه‌ی دوره‌ی فتحعلی‌شاه قاجار، دارای حضور و شقاوتی کم‌رنگ در ایجاد چالش و فضای مصیبت‌وار روایت است. پانزده مجلس از ۳۳ مجلس تعزیه‌ی مجموعه‌ی (جنگ شهادت) فاقد نیروی مخالف است و مانند مجلس خبر آوردن جبریل... با جمعی از اولیا و بدون چالش نمایشی پیش می‌رود و کم‌کم مقتل‌نویس‌ها در نسخ دیگر از حضور اشقیا در روند روایت‌ها بهره می‌برند. مجلس شهادت قاسم‌بن حسن دارای سه نیروی مخالف شبیه شمر «۲ بیت»، شبیه ابن‌سعد «۵ بیت» و شبیه مخالف «۴ بیت» است. نقش نیروی مخالف به‌طورکلی در ایجاد چالش و انگیزه‌ی تراژیک به نسبت کل روایت «۵۳۲ بیت» ۳ درصد است. همچنین در مجلس شهادت علی‌اصغر نیروی مخالف «ابن‌سعد» ۴ بیت دارد و نقش شبیه مربوطه نسبت به «۲۰۶ بیت» در پیشبرد روایت کم‌تر از ۲ درصد است. حال این پرسش مطرح می‌شود که نیروی مخالف در نسخ تعزیه‌ی مذکور توانسته است عمومیت گفتار شبیه را به سوی ایجاد تشخیص و هویت در شبیه سوق دهد؟

گفتار شبیه «عمر» با شبیه «حضرت فاطمه» در مجلس غصب کردن عمر باغ فدک را و شقاوت اشقیا، سبب برجستگی اندک نقش شبیه اولیا شده است. «حسنین به عمر: ز راه کینه چرا در زدیش بر پهلوی؟ که یک برادر ما! سقط شد کنون از او/ به پشت در ز جفای تو! ای عمر! اکنون/ جناب فاطمه افتاده است غرقه‌ی خون» (خودزکو، ۱۳۹۸: ۱۱۰). همچنین سبب عملکرد پویای شبیه حضرت فاطمه در برابر کنش شبیه عمر «اسیری حضرت امیر» شده است. «فاطمه: به زیر تیغ نشسته علی! به این خواری/ چه سان روم؟ به سوی خانه از وفاداری/ به سوی مرقد باب بزرگوار! روم/ به دادخواهی ایشان! سوی مزار روم» (خودزکو، ۱۳۹۸: ۱۱۵). بنابراین شقاوت اشقیا سبب پررنگ شدن نقش شبیه زن/ فاطمه زهرا و عملکرد پویای او در دادخواهی بر ظالم است. به عبارتی دیگر، حضور هرچند کوتاه اشقیا در روایت‌های مربوطه و ایجاد تضاد روایی، سبب تحرک شبیه شده است.

ترحم اشقیا در مجلس غصب کردن عمر باغ فدک را بر کودکان اولیا دلیل دیگری بر حضور کم‌رنگ شبیه اولیا است. «ابوبکر به عمر گوید: بگیر طوق رسن را ز بازوی حیدر! / مکن ملول و بیخشا تو بر شبیر و شیر! / بین تو گریه اطفال حیدر کراز! / بیا و دست ز آزار اهل بیت بردار» (خودزکو، ۱۳۹۸: ۱۱۵). بنابراین هراس اشقیا از شقاوت خویش «ابابکر به عمر: ترسم از این عمل همین حالا/ فتنه‌ی بی‌حدی شود بر پا» (خودزکو، ۱۳۹۸: ۱۱۶)، سبب ایستایی روایت و شبیه اولیا و اشقیا شده است.

نیروی مخالف زن «اسماء و عایشه» در مجالس تعزیه‌ی شهادت امام حسن نقش و حضوری کم‌رنگ در ایجاد تنش و کشمکش نمایشی دارند. میزان نقش شبیه اسماء در ۶ بیت از کل روایت، بیان‌گر عدم تاثیرگذاری شبیه مذکور در کنش شقاوت‌مندانه «زهرآلود کردن آب» است. شبیه عایشه نیز در مجلس اول ۱۲ بیت و در مجلس دوم ۲۰ بیت از کل روایت «۳۷۷ بیت» را دارد و گفتار شبیه عایشه کوتاه‌تر شده و به جای شبیه امام حسین و محمد حنفیه در مجلس اول، شبیه زینب به مجلس دوم اضافه شده است؛ اما حضور شبیه زینب مانند شبیه‌های دیگر در پیشبرد روایت، کم‌رنگ است و قدرت شبیه عایشه در تحقق خواسته خویش «ممانعت از دفن امام حسن در کنار پیامبر» از یک سو و ایستایی شبیه اولیا در برابر ظلم و ستم از سویی دیگر سبب ناتمام ماندن شقاوت نیروی مخالف و ایستایی روایی می‌شود. نمونه‌ی دیگر عملکرد اشقیا در اعمال ظلم و ستم و عدم شقاوت‌مندی «پویایی» را می‌توان در مجالس شهادت طفلان مسلم در عملکرد شبیه عبید و حارث در برابر قتل طفلان مسلم بیان کرد. «عبید: برای خاطر تو! من هم! ای نکو مقدار! / گذشتم از سر قتل دو طفل مسلم زار! [...] حارث: خطاب من به تو! ای طفل بی‌کس گریان! / کباب شد جگرم بس که می‌کنی تو! فغان» (خودزکو، ۱۳۹۸: ۲۲۸-۲۴۰).

افزایش شقاوت نیروی مخالف در مجلس شهادت حضرت عباس سبب پویایی شبیه و روایت شده است. «مخالف: شما کنید کنون جمله تیربارانش / که آب نرساند به نزد یارانش» (خودزکو، ۱۳۹۸: ۲۶۱). توصیف عمل شقاوت‌مندانه شهادت عباس توسط شبیه شمر در مجلس شهادت طفلان زینب خاتون و گفتار متقابل با شبیه امام حسین، سبب بازتاب ظلم اشقیا بر عملکرد شبیه اولیا شده است. «امام: دل زارم مکن زین بیش‌تر، خون [...] ترسم که زینب بشنود آهسته‌تر، آهسته‌تر» (خودزکو، ۱۳۹۸: ۴۱۰). تکرار عمل شقاوت‌آمیز شبیه شمر اسیری زینب و سکینه و شهادت طفلان توسط شبیه ابن‌سعد در مجلس مذکور، نقش اشقیا را پررنگ‌تر کرده و حضور شقاوت‌مندانه اشقیا سبب تحرک شبیه زینب در پیشبرد روایت و خلق لحظات بحرانی شده است. مجلس سکینه به چادر ابن‌سعد می‌رود... برگرفته از «مجموعه‌ی جنگ شهادت» که از دوره‌ی فتحعلی‌شاه به دست ما رسیده بیان‌گر تأثیر شقاوت اشقیا بر تکامل اشخاص شبیه است (خودزکو، ۱۳۹۸: ۵۲۷-۵۲۸). گفتار شبیه سکینه با ابن‌سعد و شمر در مجلس سکینه به چادر... برای درخواست از اشقیا که اجساد شهدا را به خاک بسپارند به افسوس و احساس ندامت و ترحم اشقیا و کنش جدید شمر «تاختن بر اجساد شهیدان» می‌انجامد. همچنین استمرار عمل شقاوت‌مند اشقیا سبب گسترش روایی و کنش متقابل اشخاص شبیه و در نتیجه خلق لحظات تراژیک جدید شده است.

گسترش و تکامل نیروی مخالف سبب تحول و حضور قهرمانانه شبیه به‌ویژه شبیه زینب در نسخ دست‌نوشته‌ی دوره‌ی ناصری شده و منظور از حضور قهرمانانه، افزایش جنبه‌ی عمل‌گرایی شبیه زینب در لحظات بحرانی روایت است. بررسی جایگاه نمایشی اشقیا به‌عنوان نیروی محرک شبیه زینب در لحظات بحرانی در نسخ دست‌نوشته‌ی مربوطه و تعامل و شکل‌گیری گفت‌وگو میان آن‌ها جنبه قهرمانانه شبیه زینب را نمایان می‌کند. آن‌ها بر این باور بودند که هرچه شبیه اشقیا را قدرتمندتر توصیف کنند، اولیاخوان‌ها قهرمانانه‌تر متجلی خواهند شد. (چلکووسکی، ۱۳۶۷: ۷۴).

توجه شبیه‌نامه‌نویس‌ها به جایگاه نمایشی مخالف‌خوان‌ها در نسخ، سبب پویایی شبیه زینب و بسط عملکرد وی برای مقابله با نیروی متضاد و گسترش روایت شده است. سیر دگرگونی شبیه زینب در نسخ دست‌نوشته‌ی دوره‌ی ناصری «تکیه دولت» به دلیل برجسته‌کردن مشخصه‌های شقاوت‌مند اشقیا سبب تحرک و پویایی شبیه زینب به سوی مضامین متنوع و منحصر به فرد می‌شود. تحول کیفی تعزیه در عرصه نمایشی که در زمان ناصرالدین‌شاه رخ داد، افزایش حرکت و عمل شبیه در جریان وقایع و توجه به نقش و تأثیر اشقیا و مخالف‌خوان‌ها بود (شهیدی، ۱۳۸۰: ۱۰۶). تحول‌هایی که در ساختار و صورت شعر نسخ

دست‌نوشته‌ی تعزیه‌ی دوره ناصری صورت گرفت سبب تأثیرپذیری اشخاص شبیه به‌ویژه شبیه زینب شده است. «این امر، یعنی تقابل و توازی نسبی نقش دو نیروی متضاد، یا خوب و بد تعزیه سبب شد که بر جنبه‌های درامی و نمایشی تعزیه افزوده شود» (شهیدی، ۱۳۸۰: ۱۰۶).

تأثیر حضور اشقیا بر عملکرد شبیه زینب در نسخ تعزیه‌ی دوره‌ی ناصری در راستای بررسی تعداد صحنه‌های مشترک بین شبیه زینب و اشقیا مورد توجه خواهد بود. نسخه‌ی مسلمان شدن شیخ شامی دارای یک صحنه از حضور اشقیا با شبیه زینب است. رابطه و گفت‌وگوی مستقیم میان شمر و شبیه زینب شکل نمی‌گیرد. عملکرد شبیه زینب در مقابل حمله‌ی شمر به امام عباد، اظهار ناتوانی و یاری جستن از زنان دیگر و درنهایت، نوحه‌خوانی برای ازدست‌رفتگان است. (نسخه ۲۰۴۴۵، ۱۳۰۰: ۲). بنابراین حضور اندک شمر و عدم تعامل و رابطه وی با شبیه زینب، جنبه‌ی قهرمانانه کم‌رنگی ایجاد کرده است.

نسخه‌ی «غارت خیمه‌گاه» دارای افزایش صحنه‌ی اشقیا است. جهت بررسی تأثیر حضور اشقیا بر افزایش پویایی قهرمانانه شبیه زینب به کاوش در تعداد صحنه‌ها و عملکرد وی در نسخه‌ی مربوطه پرداخته می‌شود. اولین حضور اشقیا «شمر» به عنوان منادی شهادت امام حسین، زمینه حضور شبیه زینب را در جهت «حمایت و مراقبت از امام زین‌العابدین» فراهم می‌کند «زینب: ای وای وای! زلزله بر ماه و تین فتاد/گویا ز زین به خاک زمین شاه دین فتاد/آری روی همه به سوی زین‌العابدین/کذا ستون کعبه دین مبین» (محمدتقی معین‌البکاء، ۱۳۸۸: ۴). عملکرد شبیه زینب به واسطه‌ی تکرار عمل خشونت‌بار «شمر» سبب ایستایی و عدم تحرک نمایشی شبیه زینب شده است «زینب: بیا ام‌کلثوم! ای خواهرم! نشان طفل‌ها را تو اندر برم/سکینه بیا اندر آغوش من /رقیه بیا بر سر دوش من» (محمدتقی معین‌البکاء، ۱۳۸۸: ۸). تنوع عملکرد اشقیا در ادامه‌ی روند روایت مذکور «حمله به خیمه‌گاه، غارت اموال، قصد شهادت امام عباد، کتک زدن کودکان، آتش زدن خیمه‌ها، تاختن بر پیکر امام حسین» باعث پویایی شبیه زینب و منش قهرمانانه می‌شود. بنابراین گسترش شقاوت و تنوع عملکرد اشقیا سبب پویایی شبیه زینب با مشخصه‌های متنوع و منحصر به فرد «کین‌خواهی یا هشدار انتقام خداوند در آینده» و «دل‌کندن از تعلقات دنیوی»، «منع از ظلم و ستم» می‌شود.

«زینب: ای شمر ز آه و ناله‌ی خیر النساء بترس
[...]

زینب: منظور شماست گرز و مال
یک سر همه می‌دهیم الحال
ای اهل حرم هر آنچه دارید

آرید و به شمر بر سپارید» (محمدتقی معین‌البکاء، ۱۳۸۸: ۸-۹).

بهره‌مندی از نقش و شبیه‌های دیگر در راستای تحول و گسترش حضور شبیه زینب در نسخه‌ی یادشده سبب بروز اعمال قهرمانانه شبیه مربوطه مبنی بر درخواست از شمر برای ماندن در بیابان به جهت پیدا کردن اسیرانی که به دلیل شقاوت شمر در بیابان پراکنده شده‌اند، می‌شود. درخواست شبیه زینب از شمر «زینب: در این جا امشب منزل نمایید» (محمدتقی معین‌البکاء، ۱۳۸۸: ۱۰). نمایان‌گر عملکرد متنوع وی در حمایت و پاسداری از خانواده است.

مضمون «حمایت‌گری» از حالت ایستای حاکم بر شبیه زینب بر اثر مضمون تازه «تقسیم مسئولیت» تحول و تغییر می‌یابد و باعث افزایش ابعاد شخصیت و هویت وی می‌شود «زینب: بیا بدار تو خواهر! به دور طفلان پاس/ علم بگیر به جای برادرت عباس/ منم به دوش کشم ذوالفقار آتشبار/ تو رو به سوی یمین من روم به سوی یسار» (محمدتقی معین‌البکاء، ۱۳۸۸: ۱۱).

تعدد صحنه‌ها و پیوستگی حضور اشقیا در برابر شبیه زینب سبب پویایی و عملکرد قهرمانانه و خلق مضامین

متنوع و تازه در راستای پیشبرد روایت به سوی پویایی و افزایش نقش شبیه زینب شده است. سیر تحول و دگرگونی شبیه زینب در نسخ دست‌نوشته‌ی مربوطه بر اثر ایستایی حاصل از مضمون تکراری «حمایت‌گری» به پویایی برآمده از افزایش و تنوع شقاوت اشقیا و ظهور مضامین بدیع، زمینه‌ی خلق کرداری متفاوت و تحرک نمایشی را برای شبیه زینب ایجاد کرده است. بنابراین بهره‌مندی از نیروی مخالف و ایجاد کشمکش در روایت‌ها زمینه‌ی تکامل شبیه را به سوی هویتی مشخص فراهم می‌کند. «کشمکش قدرت شخصیت‌پردازی را افزایش می‌دهد، زیرا درگیری‌ها شخصیت را در حال تغییر وضعیت ذهنی و احساسی نشان می‌دهند [...] در نتیجه ویژگی‌های چندبعدی را نشان می‌دهند» (کترون، ۱۴۰۲: ۵۷)، بنابراین شبیه زینب از نقش‌واره‌ی تک‌بعدی به چندبعدی تحول می‌یابد. همچنین بررسی عملکرد متقابل شبیه اولیا و اشقیا و حضور مؤثر کنش نیروی مخالف، روزه‌ای بر آغاز گسترش روایی گشوده است.

۳. آغاز گسترش روایی

سیر شکل‌گیری شبیه در تعزیه‌نامه‌های دوره‌ی فتحعلی‌شاه از عمومیت گفتارها و ایجاد چالش نمایشی توسط اشقیا به گسترش روایت‌ها و تحول مضامین پُر بازآمد به جدید می‌انجامد. شبیه زینب در نسخ تعزیه‌نامه‌ی دوره‌ی فتحعلی‌شاه با تکرار ویژگی‌های «بخت‌سیاه، زار و دربه‌در، ستم‌دیده، بی‌کس، بیچاره و جفاکش» توصیف می‌شود. تقدیرگرایی مشخصه‌ی بارز دیگر شبیه مذکور است که در سراسر روایت‌هایی که از آن دوره به دست ما رسیده است، تکرار می‌شود.

شبیه مذکور در مجلس اول دیرانی فرهنگی از مجموعه‌ی «جنگ شهادت» نقشی در پیشبرد روایت ایفا نمی‌کند. کنش شبیه زینب در برابر خواسته شبیه «سکینه» که از گرما و تشنگی ناله و فغان می‌کنند در چهارچوب ایستای کلمه‌ها باقی می‌ماند «زینب: کنم برای تو! من! سایبان ز معجر خویش» (خودزکو، ۱۳۹۸: ۵۶۱) و تحقق نمی‌یابد. همچنین در برابر تمنای آب نیز شبیه زینب، مسئولیت تأمین آب را برعهده‌ی شبیه «امام عباد» می‌گذارد. «زینب: برای آب سخن گو تو! با برادر خویش» (خودزکو، ۱۳۹۸: ۵۶۱). عدم مسئولیت‌پذیری و اختیار در انجام امور مربوط به خانواده و جنگ، مشخصه تکراری و دلیلی بر عدم تحرک شبیه زینب است در جایی دیگر شبیه مذکور از «شیرین» کنیزک امام حسین «که قصد کمک‌گرفتن از فرد مسیحی برای تأمین مایحتاج خانواده را دارد» می‌خواهد که از امام عباد اجازه بگیرد. «زینب: برو به خدمت زین‌العباد غم‌پرور/ برای رفتن خود اذن گیر از آن سرور!» (خودزکو، ۱۳۹۸: ۵۶۵). همچنین در مجلس (دوم دیرانی فرهنگی) نیز، شبیه زینب در جواب سکینه که آب می‌خواهد، چنین می‌گوید: «زینب: که بلکه چاره درد تو را خدا بکند» (خودزکو، ۱۳۹۸: ۵۸۷).

کنش شبیه زینب برای ایجاد سایبان و تأمین مایحتاج خانواده در مجلس اول دیرانی فرهنگی مربوط به دوره‌ی فتحعلی‌شاه با رفتن به نزد شمر، ناتمام می‌ماند و به تحرک نمایشی نمی‌رسد. «زینب: که دست من نرسد این زمان به جای دگر/ به التماس روم پیش شمر سگ کمتر!» (خودزکو، ۱۳۹۸: ۵۶۲) هیچ گفت‌وگویی بین شبیه مذکور و شمر صورت نمی‌گیرد درحالی‌که در مجلس دوم دیرانی فرهنگی شبیه زینب، خواسته خویش را به ابن سعد می‌گوید و مکالمه‌ای کوتاه بین آن‌ها شکل می‌گیرد و آغازی بر گسترش و افزایش نقش شبیه زینب و اشخاص شبیه است. «ابن سعد: در آفتاب گرم نشین با دل فکار/ کم گو سخن به من! تو! ایا مضطر فکار!» (خودزکو، ۱۳۹۸: ۵۸۹) درنهایت با شکایت شبیه زینب از روزگار و اظهار ناتوانی در برابر اشقیا پایان می‌یابد. «شبیه زینب: من چه سازم؟ با یتیمان و غریبان حسین! / اندرین صحرا، فکار و مضطربم فریادرس» (خودزکو، ۱۳۹۸: ۵۸۹). افزایش شقاوت و پرداختن به ابعاد خشونت‌آمیز عملکرد اشقیا زمینه‌ی گسترش و افزایش نقش شبیه زینب را فراهم می‌کند. به‌طوری‌که مجلس (دیر عزیز و شیرین) مربوط به دوره‌ی ناصری که روایت مشابهی با مجالس دیرانی فرهنگی مربوط به دوره‌ی فتحعلی‌شاه قاجار دارد نمایان‌گر گسترش روایی و

افزایش نقش شبیه زینب در لحظه‌های بحرانی و تراژیک یاد شده است.

گسترش حضور خصمانه «ابن سعد» در نسخه‌ی دیر عزیز و شیرین سبب توسعه روایت در راستای بیان اعمال قهرمانانه شبیه زینب شده است. شبیه‌نامه دیر عزیز و شیرین دارای یک صحنه مربوط به «شبیه زینب و ابن سعد» است که به واسطه‌ی توسعه، تعدد و استمرار گفت‌وگو بین شبیه زینب و ابن سعد زمینه‌ی گسترش داستانی و تحرک/پویای شبیه زینب به سوی هویت مستقل «عدم وابستگی» را فراهم کرده است. درخواست شبیه زینب از ابن سعد «زینب: تو کهنه خیمه‌ای از بهر ما بکن بر پا» (عبدالوهاب، ۱:۱۲۸۵) و عدم پذیرش خواسته‌اش «ابن سعد: محال عقل بود خیمه از برای شما!» (عبدالوهاب، ۱:۱۲۸۵) با هدف افزایش خشونت اشقیا و ایجاد انگیزه در راستای تحرک شبیه زینب از موقعیت ناکامی در ایجاد سایبان و تأمین مایحتاج خانواده به تلاش در جهت برآورده کردن خواسته و محقق کردن آن پیش می‌رود. «زینب: بیا فدای تو! ای خواهر من مظلوم! / ستم رسیده‌ی صحرای کربلا کلثوم! / بگیر مقنعه‌ی خویش را ز راه وفا/ که سایبان بنمایم بر الم زده‌ها» (عبدالوهاب، ۱:۱۲۸۵). همان‌طور که بیان شد مسئولیت پذیرش «کمک طلبیدن از بیگانه» در نسخه‌ی (دیرانی فرنگی) مربوط به دوره‌ی فتحعلی‌شاه توسط زینب به شبیه امام عباد واگذار می‌شود درحالی‌که در نسخه‌ی (دیر عزیز و شیرین) مربوط به دوره‌ی ناصری شبیه زینب موافقت خود را به شیرین کنیزک امام حسین چنین بیان می‌کند: «تو از کجا؟ ز برای حریم پیغمبر/ طعام و جامه بیاری به من بده تو! خبر [...] برو برو که شوی روسفید در محضر/ به نزد جد کبارم! جناب پیغمبر!» (عبدالوهاب، ۲:۱۲۸۵). تحرک شبیه زینب از موقعیت‌های ذکرشده به مضمون «کمک طلبیدن از بیگانه» سویه‌ای دیگر از تحول شبیه مربوطه است. پیوستگی موقعیت‌های خشونت‌آمیز «گرمای طاقت فرسا، نپذیرفتن خواسته شبیه زینب، تلاش شبیه زینب برای برآورده کردن نیازها در فضایی ناعادلانه، ازبین رفتن حریم شخصی و گرسنگی و تشنگی» باعث گسترش روایت و پویایی شبیه زینب در پیشبرد حوادث به سمت مضامین متعدد و متنوع می‌شود. جلوه‌ی قهرمانانه‌ی شبیه زینب در حل بحران‌های پیش رو در نسخه‌ی (دیر عزیز و شیرین) مربوط به دوره‌ی ناصری، نسبت به عملکرد وی در لحظه‌های مشقت‌بار یادشده در نسخه‌های (دیرانی فرنگی) مربوط به دوره‌ی فتحعلی‌شاه، نمایان‌گر گذر شبیه زینب از سکون/ ایستایی به تحرک و پویایی نمایشی است. تغییر و تحول شبیه زینب در مواجهه با بحران‌ها از انتظار، صبر و سکون به عملکرد مستقل و پویای وی در نسخه‌ی «دیر عزیز و شیرین» سبب کردار قهرمانانه شبیه زینب شده، بنابراین شبیه یادشده در مقابل قدرت و شدت اعمال شقاوت‌مندانه‌ی اشقیا دارای پویایی و کردار بیشتری در راستای پیشبرد روایت است.

۴. افزایش نقش شبیه زینب

تعداد ابیات شبیه زن «زینب» در مجالس تعزیه‌نامه‌ی دوره‌ی فتحعلی‌شاه، نشان‌گر میزان نقش آن‌ها در روایت‌ها است. شبیه زینب در مجلس وفات پیامبر ۳ بیت دارد که به نسبت تعداد کل بیت‌ها «۳۲۰ بیت» گویای حضور ایستا و بدون تحرک نمایشی شبیه مربوطه است. میزان نقش شبیه زینب در مجلس بالا نسبت به کل روایت ۱۰ درصد است از طرفی دیگر تعداد شبیه زن ۴ و تعداد مرد ۸ شبیه است. بنابراین شبیه زینب در این مجلس حضور پویا و تأثیرگذاری بر روند روایت ندارد. میزان نقش شبیه زینب در مجلس (آمدن حر بر سر راه حضرت (ع) ۱۷ بیت از «۲۵۶» بیت است و میزان نقش شبیه ۷ درصد از کل روایت است در مجلس هم‌نام دیگر آمدن حر بر سر راه حضرت امام (ع) میزان نقش شبیه زینب ۵۲ بیت از «۴۰۵» بیت و ۲۶ درصد است. روند افزایش میزان نقش شبیه زینب در دو مجلس هم‌نام و مربوط به دوران «فتحعلی‌شاه و ناصری» می‌تواند نشان‌گر توجه مقتل‌نویس‌ها به شبیه زن باشد.

بیش‌ترین نقش شبیه زینب در نسخ تعزیه‌نامه دوره‌ی فتحعلی‌شاه در مجلس شهادت طفلان زینب خاتون با

۹۸ بیت از «۳۲۰» بیت و ۳۱ درصد است. بررسی میزان نقش شبیه زینب در نسخ تعزیه نامه‌ی آن دوره، نشان‌گر حضور کم‌رنگ و ایستای شبیه یادشده در پیشبرد روایت است. همچنین به‌طور کلی تعداد شبیه زن نسبت به شبیه مرد در نسخ مربوطه کم‌تر است. مجلس شهادت طفلان مسلم که از دوره فتحعلی شاه به دست ما رسیده، بدون حضور زنان است و ۱۱ شبیه مرد دارد و کم‌ترین حضور شبیه زن در مجلس خبر آوردن جبریل... با ۵ شبیه مرد و ۱ شبیه زن است. مجلس غصب نمودن عمر... ۱۲ شبیه مرد و ۴ شبیه زن، مجلس وفات حضرت امیر ۱۴ شبیه مرد و ۲ شبیه زن دارد.

شرح و بسط گفت‌وگوها در نسخ دست‌نوشته‌ی دوره ناصری به‌ویژه روایت‌های مربوط به شبیه زینب سبب افزایش حضور شبیه مربوطه شده است. افزایش حضور شبیه زینب در نسخ دست‌نوشته‌ی دوره ناصری در برابر دوره پیشین در افزایش تعداد ابیات رخ نمی‌دهد بلکه در حذف مضامین پُر بازآمد و شرح و بسط بن‌مایه‌های جدید شکل می‌گیرد.

خلاقیت مقتل‌نویسان دوره ناصری در تدوین نسخ دست‌نوشته‌ی تعزیه‌نامه‌ها و توجه به اجزاء و عناصر نمایشی «گفت‌وگو»، «طرح» و «خرده‌روایت‌ها» در شکل‌گیری روایت‌های نمایشی سبب پردازش شبیه زینب از ایستایی حاکم بر مضامین پُر بازآمد به تحرک و پویایی مشخصه‌های متنوع نمایشی در روایت‌های مربوطه و هم‌بستگی عناصر مذکور در نسخ دست‌نوشته‌ی مورد مطالعه و ایجاد فضای روایی متناسب با محتوا باعث ارایه‌ی موفقیت‌آمیز مضمون مورد نظر مقتل‌نویس‌ها در راستای گسترش و پردازش شبیه زینب شده است. «نصرت‌الله قادری» در پژوهش خویش به نام «آناتومی ساختار درام» نمایش‌نامه و هر اثر زبانی را دارای ۳ عنصر اساسی «موضوع»، «محتوا» و «صورت» می‌داند و موارد فوق را چنین تعریف می‌کند:

«موضوع، چکیده معنی یا پیامی است که مخاطب، پس از خواندن یک اثر می‌تواند بگوید [...] محتوا عبارت است از مجموعه معانی فرعی، وقایع، حوادث و صحنه‌هایی که پیرامون مضمون و پیام اصلی تنیده شده است [...] پس صورت، عبارت است از طرح محتوا و موضوع و نظم و ترتیبی خاص و زبان و بیانی ویژه، که از ذوق و زیبایی‌شناسی و تجربه‌ها و مهارت‌های فنی نویسنده، مایه می‌گیرد» (قادری، ۱۳۸۰: ۳۱۳-۳۱۴).

مقایسه‌ی بین دو نسخه‌ی هم‌نام «شهادت امام حسین» به‌منظور درک بهتر چگونگی افزایش نقش و تحول شبیه زینب از ایستایی به پویایی و سیر تحول مضامین پُر بازآمد در نسخه‌ی قدیم «دوره فتحعلی شاه» به مضامین تازه در نسخه‌ی دوره ناصری مؤثر خواهد بود. نسخه‌ی قدیم با مناجات شبیه زینب آغاز و مضمون «اسارت و ظلم» در تمام بیت‌های آن تکرار می‌شود.

شبیه زینب در نسخه‌ی ناصری، شرحی از فضای مصیبت‌بار حاکم بر اهل بیت بیان می‌کند و اشعار دارای مضامین متنوعی چون شهادت، تنهایی و بی‌یاوری حسین و اسارت تمام زنان حرم است (محمدتقی معین‌البکاء، ۱۳۸۹: ۱۰). شرح و بسط گفت‌وگوهای شبیه زینب در نسخ دست‌نوشته‌ی دوره ناصری با حذف مضامین پُر بازآمد و توصیف‌های بدیع از وقایع سبب پویایی و پردازش نقش شبیه زینب شده است. نسخه‌ی قدیم، مکالمه‌ی طولانی از امام و زینب دارد که در نسخه‌ی دوره ناصری حذف شده است. مضمون «وصیت کردن و سپردن کودکان به زینب و تنهایی» در سراسر نسخه‌ی قدیم تکرار می‌شود. رخداد مشترک بین دو نسخه‌ی «خوابیدن امام بر دامن زینب» است که از اطناب کلام نسخه‌ی قدیم کاسته و به شکلی موجز در نسخه‌ی ناصری بیان شده است. شرح و بسط گفت‌وگو به معنای طولانی شدن روایت‌ها نیست. گاه شرح یک واقعه/رخداد با حذف مضامین پُر بازآمد و اعجاز کلام سبب بسط و برجستگی حضور شبیه زینب و پویایی وی می‌شود. (محمدتقی معین‌البکاء، ۱۳۸۹: ۱۰).

گسترش و تنوع مضامین شبیه زینب در سراسر روایت نسخه‌ی ناصری سبب اختصار و اعجاز اشعار و افزایش نقش شبیه زینب شده است. شهیدی علل بسط و گسترش گفت‌وگو یکی گسترش، تنوع و ساخت

مجالس تازه و دیگری افزودن حرکت و عمل و تلاش در نشان دادن واقعه به جای گفت وگوهای طولانی می داند (شهیدی، ۱۳۸۰: ۲۶۱).

شبیه نامه نویس های نسخه ی ناصری، توضیح صحنه هایی که در نسخه ی قدیم وجود دارد را در قالب گفت وگو، شرح و بسط داده و مکالمه بین شبیه زینب، سکینه، فاطمه، شمر با سپاه و سپاه با زینب را در نسخه ی قدیم به شبیه زینب، شمر و ابن سعد در نسخه ی ناصری تقلیل داده اند و با تعدد و تنوع مضامین، ویژگی های شخصیتی شمر و شبیه زینب را بارزتر کرده و جنبه نمایشی و پویایی به شبیه زینب بخشیده است.

مضامینی چون حمایت از امام زین العابدین، فغان از فلک و طلب یاری از خداوند، ظلم و اسارت در کنار رخداد حمله سپاه دشمن به خیمه گاه اهل بیت در نسخه ی قدیم تکرار می شود و گفت وگو به طور مستقیم بین شمر و شبیه زینب شکل نمی گیرد و در نتیجه تحرک نمایشی رخ نمی دهد و صحنه دچار ایستایی است. نسخه ی ناصری دارای گفت وگوی مستقیم و پیوسته بین شمر و شبیه زینب است و این رویارویی متضاد سبب بروز ویژگی های خصمانه شبیه شمر و خصیصه ی قهرمانانه ی شبیه زینب می شود.

شمر در نسخه ی ناصری به عنوان نیروی محرک متضاد، سبب پویایی و تحول شبیه زینب می شود. شمر در نسخه ی قدیم خطاب به امام حسین چنین می گوید: «کجایی حسین؟ ای گل باغ دین! / ز خیمه برون آی، صف ها ببین» (لیتن، ۱۳۹۶: ۴۴۵). تعزیه نامه نویس ها در دوره ی ناصری با واسطه قراردادن شبیه زینب بین گفت وگوی شمر و امام حسین زمینه ی پویایی نمایشی شبیه زینب و افزایش نقش را فراهم می کنند. «شمر گوید: زینب ای همشیره اولاد سلطان لوی / گیرم اکنون این حسین به باشد از شاهان کی / لشکر جرار خون خوار آمد از بهر یزید / مرکب هستی او را در جهان سازند پی / کن تو بیدارش بگو! این شور محشر را ببین» (محمدتقی معین البکاء، ۱۲۸۹: ۱۱).

نسخه ی قدیم دارای مضمون تکراری «اسارت و غربت» است و گفت وگو به طور کلی بین اهل بیت و امام رخ می دهد؛ اما در نسخه ی ناصری، گفت وگو جنبه ی شخصی می یابد. حالات و عواطف شبیه زینب را بیان می کند و نمایان گر پویایی و تحول روحی شبیه زینب به مضمون «عدم ستیزه با دشمن» است در حالی که در نسخه ی قدیم به دلیل ایستایی و عدم تحرک نمایشی شبیه زینب در برابر «خشونت اشقیا» چنین اتفاقی رخ نداده است و ارتباط مضامین با یکدیگر قطع می شود در نتیجه گسترش داستانی شکل نمی گیرد. مضامینی چون «بیداری در برابر دشمن» و «دادخواهی در برابر ظلم» در نسخه ی ناصری که از تقابل عنصر خشونت ظالم و تظلم خواهی مظلوم در بستر کنایی «خوابیدن» سر برآورده است سبب شرح و بسط گفت وگو، پویایی و مشخصه های منحصر به فرد و در نتیجه افزایش نقش شبیه زینب می شود.

«زینب:

ای نکرده خواب راحت در جهان بیدار شو
وی غزال بسته چشم از این و آن بیدار شو
تو به خواب راحتی من در اسیری می روم
دشمن آمد بر سرم ای جان من بیدار شو
[...]

زینب: مکن ستیزه به آن کوفیان بداختر» (محمدتقی معین البکاء، ۱۲۸۹: ۱۱).

افزودن کنش های متعلق به شبیه های دیگر به شبیه زینب در نسخ دست نوشته ی دوره ی ناصری سبب گسترش داستانی «شرح و بسط»، پررنگ تر شدن حضور و افزایش نقش شبیه زینب و مضامین تازه و بدیع شده است. مضمون «دعوت امام به وداع با اهل بیت» در نسخه ی قدیم «شهادت امام حسین» توسط «ابن سعد» «ابن سعد: مرخصی تو، آیا نور دیده ی زهرا!! کنی وداع همه اهل بیت عصمت را» (لیتن، ۱۳۹۶: ۴۵۰) بیان می شود.

شبیه زینب در نسخه‌ی ناصری آغازگر مضمون جدید «دیدار بستگان» در روند روایت است که سبب پویایی وی در ادامه روایت می‌شود «زینب: یک ره بیا به خیمه بین بلبلان خویش/ پژمرده‌اند و زار و پریشان و بی‌قرار» (محمدتقی معین‌البکاء، ۱۲۸۹: ۱۲). مقایسه‌ی نسخ مذکور بیان‌گر تأثیر مضامین جدید در خلق عملکرد متنوع شبیه زینب و شرح و بسط گفت‌وگوها با رویکرد گسترش داستانی و پویایی نمایشی شده است. سیر مضامین کلی «شهادت» به توصیف و پردازش وقایع جزئی مربوط به شبیه مذکور در نسخه‌ی جدید بر گسترش داستانی و تحول شبیه زینب مؤثر بوده است. حضور اشقیا در مجلس شهادت امام حسین در دوره‌ی ناصری زمینه تحرک نمایشی و افزایش نقش شبیه زینب را برای خلق مضامین و مشخصه‌های منحصر به فرد فراهم می‌کند.

گفتار در صحنه‌ی به میدان رفتن امام حسین «نسخه‌ی قدیم» به طور مقطع و ناتمام بین شبیه‌های زینب، سکینه و کلثوم به پایان می‌رسد. «کلثوم: من علم‌دار شهید کربلایم، ای خدا! / خواهر عباس زار مبتلایم، ای خدا! / سکینه: من علم‌دار حسینم، ای خدا! / هم‌قرین شور و شینم، ای خدا! / زینب: ای خدا! مانده حسین بی‌کس، میان کوفیان/ من جلوداری کنم بهر برادر این زمان» (لیتن، ۱۳۹۶: ۴۷۴). چنین می‌توان نتیجه گرفت که حذف مضامین پُر بازآمد شبیه زینب در نسخه‌ی قدیم چون «بی‌کسی، غربت، ظلم و ستم» و افزودن مضامین تازه در نسخه‌ی ناصری چون «ایستادگی در برابر ظلم» و «خشونت اشقیا» سبب افزایش نقش شبیه زینب در رخداد «کفن پوشاندن بر امام حسین و بدرقه وی به میدان نبرد» و «حمایت‌گری و مشارکت در نبرد» و سبب شرح و بسط گفت‌وگوی شبیه زینب در ادامه‌ی روایت به میدان رفتن امام حسین و همچنین بر گسترش داستانی مربوط به شبیه زینب مؤثر واقع شده است. گاه شقاوت اشقیا منجر به رخداد یا حادثه‌ی تراژیک مستقل از روایت اصلی تعزیه‌نامه‌ها در راستای افزایش مضامین و گسترش داستانی و در نتیجه پویایی شبیه زینب در نسخ دست‌نوشته‌ی دوره‌ی ناصری می‌شوند و حوادث فرعی به وجود می‌آیند.

افزایش میزان نقش یا به عبارتی دیگر افزایش گفتار اشخاص شبیه در نسخ دوره‌ی فتحعلی‌شاه در روند تکامل شبیه مؤثر بوده است و زمینه‌ی حضور پُررنگ اشخاص شبیه را فراهم می‌کند. می‌توان از بررسی تعداد شبیه زن و مرد در نسخ تعزیه‌نامه‌ی دوره فتحعلی‌شاه به این موضوع پی برد که تعداد شبیه زن در تعدادی از نسخ تعزیه‌نامه، بیش‌تر شده است. مجلس شهادت قاسم بن حسن ۸ شبیه مرد و ۷ شبیه زن دارد. مجلس اول شهادت امام حسن، ۶ شبیه مرد و ۵ شبیه زن دارد. مجلس دوم شهادت امام حسن ۷ شبیه مرد و ۷ شبیه زن دارد و تعداد شبیه زن به تعادل نسبی با شبیه مرد می‌رسد. افزایش تعداد شبیه زن در نسخ تعزیه‌نامه‌ی آن دوره، بیان‌گر اهمیت شبیه زن و تأثیر آن‌ها در پیشبرد روایت است. مجلس آب‌آوردن زنان بنی‌اسد... ۸ شبیه زن و ۱ شبیه مرد «امام عباد» با ۴ بیت گفتار که نشانه حضور کم‌رنگ شبیه امام عباد در روایت مذکور است. مجلس غارت خیمه‌گاه ۶ شبیه زن و ۴ شبیه مرد، مجلس خطیب ولید ۶ شبیه زن و ۳ شبیه مرد و مجلس خبر واقعه کربلا... ۸ شبیه زن و ۲ شبیه مرد دارد در نتیجه با افزایش میزان و تعداد حضور شبیه زن در نسخ تعزیه‌نامه‌ی دوره‌ی فتحعلی‌شاه، مجالسی با محوریت زنان شکل می‌گیرد و نقش و حضور آن‌ها در روایت افزایش می‌یابد. بنابراین سیر تکامل شبیه به‌ویژه شبیه زینب در نسخ تعزیه‌ی دوره‌ی فتحعلی‌شاه قاجار از عمومیت گفتارها به سبب حضور و کشمکش با نیروی مخالف، زمینه‌ی گسترش روایی را ایجاد می‌کند و در نهایت به افزایش نقش و محوریت اشخاص شبیه زن در پیشبرد روایت‌ها در نسخ دوره‌ی ناصری می‌انجامد.

در دوره‌ی ناصری مجالس بیشتری با محوریت شبیه زینب، مانند «وفات زینب»، «عروسی زینب»، «شهادت طفلان زینب» و... وجود دارد و «شبیه» دارای ویژگی‌ها و درون‌مایه‌های منحصر به فرد است. حال پرسش این است که آیا سیر تکامل و تحول شبیه زینب در نسخ دوران قاجار، دنباله‌ی تحول درونی و آگاهانه شبیه یاد شده است یا خیر.

۵. واقع گرایی

تحول و آگاهی درونی حاصل از بازتاب شرایط اجتماعی و سیاسی دوران قاجار بر شبیه زینب در نسخ دست‌نوشته‌ی تعزیه‌ی دوره‌ی ناصری، سبب نمادزدایی از سیمای شبیه مربوطه، شکل‌گیری و تکوین واقع‌گرایی شده است. گذر شبیه زینب از تمثیل به واقعیت، بنابر دگرگونی درونی شبیه مربوطه در نسخه‌ی «شهادت امام حسین» نمود می‌یابد. شبیه زینب در مسیر پویا و پرتحرک روایت‌های یادشده از مشخصه‌های پُر بازآمد (تقدیرگرایی، تسلیم بودن در برابر خواسته امام، صبوری و...) که سیمایی نمادین و ایستا به وی بخشیده، رها شده است. «زینب: کج کن تو نیز گردن تسلیم ای عروس» (محمدتقی معین‌البکاء، ۱۲۸۹: ۱۵). شبیه زینب بعد از تحمل مصائب نبرد نابرابر بین امام حسین و اشقیا، شرایط پیشین امام را به یاد می‌آورد «به یثرب سلطنت بودن به بطحا پادشه بودی [...] رعیت قدر تو نشناخت شاه! لشکرت چون شد» (محمدتقی معین‌البکاء، ۱۲۸۹: ۱۸). تحول شبیه زینب در پرسش‌گری او از امام حسین است «زینب: چه سازم بعد تو با این یتیمان و صغیرانت؟ [...] چه باعث شد که دل برداشتی از اکبر و اصغر؟ [...] عیالت را اسیر دست دشمن از چه می‌خواهی؟» (محمدتقی معین‌البکاء، ۱۲۸۹: ۱۸). بنابراین در گفتار شبیه زینب احساس و عواطف انسانی مانند: ترس از مرگ، ناتوانی، قدرشناسی و ناپایداری جهان سبب درخواست شبیه زینب از امام شده است. «زینب: بیا از کربلا بگذر برو در یثرب و بطحا» (محمدتقی معین‌البکاء، ۱۲۸۹: ۱۸). یکی از تمهیدهای نظریه‌ی پویایی «بی بکرمن» در راستای تحول نقش‌واره «از طریق واردکردن قراردادهای جدیدی مانند فکرکردن تداعی وار با صدای بلند [...] مونولوگ درونی با جریان سیال آگاهی» (فیستر، ۱۳۹۹: ۲۱۵) است که در راستای افزودن بُعد روان‌شناسانه به نقش‌واره‌های دراماتیک است. نمونه‌های بسیاری از تک‌گویی‌های شبیه زینب در نسخ دوره‌ی ناصری وجود دارد که در قالب «مناجات» نمایان می‌شود «زینب: واحسرتا که چشم من زار پر نم است» (خاکی تفرشی، ۱۲۷۴: ۸) و «زینب: یارب اگر اسیری من شد قضای تو/ من سر نهاده‌ام به کمند رضای تو/ گر سرنوشت عترت زهرا اسیری است/ ما را سر رضاست به خط رضای تو» (محمدتقی شیرازی، ۱۲۶۷: ۱۳).

شبیه زینب به دلیل ماهیت «تاریخی» بار تراژیک روایت‌ها را به دوش می‌کشد. تأثیرپذیری شبیه زینب از رخ‌داده‌های بیرونی جامعه‌ی ناصری سبب نفوذ افکار و احساسات جامعه و مصایب اجتماعی آن زمان در شبیه‌نامه‌های دوره‌ی ناصری شده است. «تعزیه در دوره تکاملی خود، ضمن دور افتادن از اصل و منشاء خود، تا حدود زیادی از واقع‌گرایی تاریخی تأثیر پذیرفته است» (چلکووسکی، ۱۳۶۷: ۷۳). بنابراین تنوع و تعدد مضامین، گسترش داستانی و در پی آن پویایی و تحرک نمایشی شبیه زینب باعث گذر وی از مشخصه‌های قراردادی (وفادار، مصیبت‌دیده، غم‌خوار و...) و پذیرش سیمای اجتماعی-تاریخی دوره‌ی ناصری شده است. دگرگونی شبیه زینب در نسخ دست‌نوشته‌ی دوره‌ی ناصری به سبب تحول احساس و عواطف حاصل از تغییرهای اجتماعی و سیاسی قابل بررسی خواهد بود.

نتیجه‌گیری

گفتار عمومی شبیه در نسخ تعزیه‌ی دوره‌ی فتحعلی‌شاه، سیمایی فاقد تشخیص و هویت یگانه دارد. حضور هر چند کوتاه اشقیا و نیروی مخالف در بستر روایت‌ها سبب ایجاد تضاد روایی و پویایی شبیه به‌ویژه شبیه زینب و همچنین بازآمد عمل شقاوت‌آمیز اشقیا سبب تحرک شبیه شده و تنوع عملکرد نیروی مخالف، زمینه‌ی تحول و حضور قهرمانانه‌ی شبیه زینب را فراهم کرده است در نتیجه، تنوع و تعدد کنش نیروی مخالف، آغازی بر گستره‌ی روایی ایجاد می‌کند به عبارتی دیگر در قدم اول در دوره‌ی فتحعلی‌شاه افزایش تعداد بیت‌های شبیه زینب، زمینه‌ی حضور و میزان نقش شبیه یادشده را در روایت‌ها افزایش می‌دهد و قدم

بعدی در دوره ی ناصری افزایش نقش نه در تعداد بیت ها بلکه در حذف مضامین پُر بازآمد و شرح و بسط بن مایه های منحصر به فرد مربوط به شبیه زینب رخ می دهد. بهره گیری مقتل نویسان از سازه های نمایشی مانند «نیروی مخالف اشقیا و گسترش روایی» زمینه ی پردازش شبیه را فراهم و بستر مناسبی برای حضور شبیه زنان دیگر مانند «اسماء، سکینه و...» متناسب با روایت ایجاد می کند در نتیجه حضور شبیه زن از شبیه مرد، پیشی می گیرد و افزایش می یابد و تعزیه نامه هایی با محوریت حضور زنان شکل می گیرد. بنا بر آنچه بیان شد تکامل شبیه زن در نسخ تعزیه نامه ی دوره ی فتحعلی شاه از گفتارهای عمومی به افزایش حضور و کشمکش با نیروی مخالف، گسترش روایی و تمایل به واقع گرایی در دوره ی ناصری تحقق می یابد و زمینه ی تحول شبیه به شخصیت را فراهم می کند. سیر تحول و تکامل شبیه زینب از ایستایی به پویایی و به عبارتی دیگر از شبیه «نقش واره» به شخصیت در طول روایت های یاد شده در این پژوهش نشان گر تحول و دگرگونی وی به عنوان شخصیتی آگاه است که هم چون فردی مستقل در ستیز، برابر ضرورت های تحمیلی جهان روایت به پا می خیزد و نقش واره ی زینب را در برابر ایدئولوژی های تقدیرگرایانه یا جبرگرایانه اجتماعی، سیاسی و فرهنگی قرار می دهد که پرداختن به چگونگی تأثیر ایدئولوژی های یاد شده بر تحول شبیه زینب در پژوهشی مستقل قابل بررسی خواهد بود. بنابراین شبیه زینب از فقدان عملکرد منحصر به فرد در مسیر روایت ها به سوی شخصیتی واقع گرا با ژرفای اخلاقی که حاصل استدلال و تفکر عقلانی شبیه یاد شده است، تکامل می یابد.

پی نوشت ها

۱. این مبحث در مقاله ای با عنوان: «بررسی دگردیسی شبیه زینب در نسخ تعزیه ی تکیه دولت و نقش احتمالی آن در شکل گیری انقلاب مشروطه»، در دومین کنفرانس ملی مطالعات میان رشته ای در ادبیات و هنرهای کاربردی و نشریه ی مطالعات زیباشناسی هنر به چاپ رسیده است.

نسخ دست نوشته ی تعزیه ی تکیه ی دولت

- بی نام [؟] [یکشنبه ۱۶ رمضان ۱۳۰۰ در کامرانیه]، مسلمان شدن شیخ شامی به دست حضرت سیدان جدش با خالد ابن زید، صیاد و آهو، کتابخانه و موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران
- خاکی تفرشی، (۱۲۷۴)، ورود به بقیع، کتابخانه و موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران
- شیرازی، محمدتقی (۱۲۶۷)، شهادت عباس، کتابخانه و موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران
- محمدتقی معین البکاء، [فدایی] (ذی حجه ی ۱۲۸۹)، شهادت امام حسین (با تفصیلات شیطان و آب خواستن حضرت و بیرون پریدن علی اصغر از گاهواره و گل فرستادن فاطمه ی صغرا و درویش و موسا و حکایت نصرانی و قیس و وزیر)، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران
- محمدتقی معین البکاء، [فدایی] (یکشنبه ۱۳ جمادی الثانی ۱۲۸۸ در دارالسلطنه اصفهان)، غارت خیمه گاه، کتابخانه و موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران
- عبدالوهاب (۱۲۸۵)، دیر عزیز و شیرین، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران

فهرست منابع

- شهیدی، عنایت الله (۱۳۸۰)، تعزیه و تعزیه خوانی از آغاز تا پایان دوران قاجار در تهران، چاپ اول، تهران: پژوهش های فرهنگی
- خودزکو، الکساندر (۱۳۹۸)، جنگ شهادت، جعفر خمایی زاده، چاپ دوم، رشت: انتشارات بلور.
- چلکووسکی، پیترجی (۱۳۶۷)، تعزیه (نیایش و نمایش در ایران)، داود حاتمی (مترجم)، چاپ اول، تهران: انتشارات علمی

و فرهنگی.

- فیستر، مانفرد (۱۳۹۹)، نظریه و تحلیل درام، مهدی نصراله زاده (مترجم)، چاپ چهارم، تهران: انتشارات مینوی خرد.
- قادری، نصرالله (۱۳۸۰)، آناتومی ساختار درام، چاپ پنجم، تهران: کتاب نیستان.
- کوچک زاده، رضا (۱۳۸۹)، فهرست توصیفی شبیه نامه های دوره قاجار، کتابخانه، تهران: موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- کترون، لوئیس ای (۱۴۰۲)، نمایشنامه نویسی بودن، نمایشنامه نویسی شدن، فارس باقری (مترجم)، چاپ اول، تهران: افق.
- لیتن، ویلهلم (۱۳۹۶)، تشنه در میقاتگه (متن و متن شناسی تعزیه مجموعه لیتن)، حسین اسماعیلی (مترجم)، چاپ دوم، تهران: انتشارات معین.